مدخلی بر نظریه دینی رودلف اوتو
بر اساس کتاب «مفهوم امر قدسی»

قریان علمی
دانشگاه تربیت معلم تبریز

چکیده:
توجه به دین و جهت پیداگوگی و ذات آن همواره از سوالات مورد توجه فلسفه، م kcalان (متألقان) و دیگر اندیشه‌هایی که در قرن نوزدهم توسط بیان شده‌است که از جمله می‌توان به نظریات م kcalان (متألقان) آلمان نظیر رودلف اوتو اشاره کرد. اوتو ذات دین را مثل فردی و دورکم در جامعه و وضع روان و نه نظر کانت و شلیاریماخ در اخلاق و احساس تولکی می‌داند، بلکه به نظر او ذات دین در نومنیوس (امر قدسی) نهفته است و معتقد است که نومنیوس دو و یکی عمده دارد: یکی هیئت و دیگری انس و جذبه. به همین جهت می‌توان نومنیوس را هم سر مهیب نامید که ما در چاره حیرت و نرس می‌زند و هم جذاب خواندنی که ما را مجدوب خود می‌گرداند. وی ضمن توصیه دانستین این تجربه آن را قابل تعلم نمی‌داند، بلکه معتقد است که این در جان انسان بهتر شود.

کلید واژه‌ها: امر قدسی، نومنیوس، تجربه دینی، سرّ مهیب، جذبه، احساس مخلوقین، نومن
فراغت‌لاینی، کلامه دیگر.
رودلف اوتو (۱) (۱۸۶۹-۱۹۳۷) متأهل پرورشان مذهبی، مورخ و پدیدآرشناس ادیان بود. وی یکی از دو متأهل یزدی و اثرگذار در آلمان سالهای پس از جنگ جهانی اول است. اوتو و کتاب «مفهوم امر قدسی» (۲) با دیگر کارل پارث (۳) متأهل نویستن. پارث، بحث‌های کلیسی زیادی را ارگذش در جهات مختلف، در سالهای متفاوت موجب شد. در حالیکه پارث تأکید لیبرالیستی بر مسیحیت را به عنوان دین را می‌کرد، اوتو مبنا سدها را در فهم ذات دین، تبیین های جداگانه آن در ادیان سالهای مهمی آن در الهیات مسیحی به کار بست (نکه: میلسا (۴)، ۱۱-۱۰).

اوتو و اثر گرایش‌های فلسفی، کلامی و بین‌المللی در آلمان پایان قرن نوزدهم بود و در سال ۱۸۶۹ در هانوفر (۵) مولد شد و در دانشگاه‌های ارلینگن (۶) و گوتنبرگ (۷) تحصیل کرد. او ابتدا به تدریس در دانشگاه‌های گوتنبرگ و برسلاو (۸) پرداخت. سپس در سال ۱۹۱۷ به دانشگاه مرکور (۹) رفت و در آنجا به سمت استادی در کرسی الهیات ترکیب‌دهد. و تا زمان بازنشستگی (۱۰) در همانجا مشغول بود. او نخست تحت تأثیر اندازه‌های امکان‌پذیر کرده که در نخستین اثر منتشر شده با عنوان "نظر به لوتر درباره روح القدس" (۱۱) معنی اسک ایست. تأثیر لوتر بر او در موضوع اهمیت شهود دینی (۱۲) و احساس حضور باطنی خدا بوده است. دو ماهی شخص تأثیر گذار در اندازه‌ای از شلیاپ‌مارک (۱۳) بوده. چنان‌که او باعث نوشتن شلیاپ‌مارک اهمیت "اثرات" (۱۴) در تجارب ذهنی را بازیافت ایست. او همچنین تأثیر با واثیان کانت و فلسفه دیگر، فریز (۱۵) نیز تأثیر بود. چنان‌که در کتاب "فلسفه دین مثبت بر نظر کانت و فریز" (۱۶) از اندیشه ایشان به نموده است. او ویژه از فریز اصطلاح "شتر" (۱۷) راکه به

4. Das Heilige (The Idea of the Holy)
5. Commentary on the Letter to the Romans
6. Melissa
13. Luther’s View of the Holy Spirit
14. Religious intuition
18. The Philosophy of Religion based on Kant and Fries
19. Ahndung (Longing)
عنوان حالت زیبایی شناختی (۱) ادراک و ناظر به فهم معنی و مقصود وجود بوده است، به عاریت گرفته. اوت و برخی از سیاست‌های مثالهای زیبایی می‌تواند بود و زبان سنسکریت (۲) را بیان گرفته و سیاست‌های مثالهای زیبایی هند را مطالعه و برخی از آنها را به زبان آلمانی ترجیح نمود و بر تعدادی از آنها شرح نوشته. وی مادر تهایی به هند، پرمه، چين، زاين، مصر، فلسطین و کشورها دیگر نمود تا در بررسی خود تجربه دینی را یافته. شاید تأثیر عمیق مسافری او به آسیا در سال ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ و مطالعه پیشین او از متن سنسکریت، اما به بررسی تجربه دینی واداشته که برای نخستین بار در کتاب، "مفهوم امر قدسی" عنوان شده (نک: ادواردز (۲)، ۱۳(۶)، "دایرة المعارف دین"، (۱)(۴)(۷) اثر).

آثار
اوتو چندین کتاب و مقاله نوشته است که مهم‌ترین آنها عبارات اند از: طبیعت گرايي و
دين (۵)، "فلسفه دين مبيين بر نظر كنست و فريزي" (۶)، "مفهوم امر قدسی" (۷)، "عفران شرق و غرب" (۸)، "الطف در دين هندی و مسيحیت" (۹)، و کتاب "ملکوت خدا و پسر انسان" (۱۰). مقالات فراوانی نيز از سوي وی به رشته تحریر در آمده است که با عنوان "تجربه دینی" نشر یافته است. نيز چنانکه پيشرفتگي در ثروت از متن ديني هندی را به زبان آلمانی ترجیح نمود که از آن جمله"می‌توان به ترجیح "بهگودگیت" (۱) اشاره کرد. اکثر کتاب‌ها وی به زبان انگلیسی ترجیح شده است و خود نيز در کشورهای انگلیسی زبان از طرف دو کتاب "ملکوت خدا و پسر انسان" و "مفهوم امر قدسی" شناخته شد. کتاب "ملکوت خدا و پسر انسان" کوششی برای درک
عهد جديد با توجه به زمینه تاریخی آن است. اين کتاب نقض نمي‌هي در مطالعه

1. aesthetic 2. Sanskrit 3. Edwards
4. Encyclopaedia of Religion 5. Naturalism and Religion
6. Mysticism... 7. India's Religion of Grace and Christianity
8. The Kingdom of God and the Son of Man. 9. Bhagavad Gita
نظریه دینی اوتو برای کتاب "مفهوم امر قدسی" اوتو در فراموش اندیشته الهیات فلسفی آنالیسی آن این می‌باشد که به‌دست دارد. اما همانند دیگر نواحی‌های این فراموش سعی داشت دین را مورد توجه قرار داده به ذات آن پی برد. وی با آنچه موسس به "اکستراز" یعنی تبیین دین همچون پیدا کرده فرهنگ انسانی است، و باضخس به نیازهای اجتماعی یا روان‌شناختی که به مفهوم خاصی محصول آن نیازهای مختل و روز و روز بروز می‌کند، معتقد بود که حاکیت دین در قلمرو فعالیت خودش باشی که یکی قدیم متعالی برتر از انسان است. آن‌طور فرورفته (۴) و ونر (۵) و دورکهم (۶) همگی به اشکال و اکسترازی علمی (۷) مربوط به نظریه اوتو و ونر درلوف (۸) با آنها مخالفت نمودند (نک: ملیسیا، ۴۵: اوتو، "مفهوم امر قدسی"، ۱۱۸).

1. Escathology  
2. The Kingdom of Asura

3. واکسترازی (Reductionism): تلاش برای برگرداندن یک علم به علم دیگر، با نشان دادن اینکه اصولات کلیدی یک در بین دیگری قابل تعریف است و توابع یکی از فرضیات دیگری نشان می‌دهد. ابن روش کلی در شناخت گوناگون معنی به صورت گوناگون به خود می‌گیرد. در حوزه دین، واکسترازی می‌خواهد دین را به دیدگاه پدیدار شناختی، بازتاب‌پای بین ویژگی‌های اساسی و دیدگاهی رفته و جامعه انسان ببیند. تئوری‌گذاران مثل پارتو، فروید، لین، انگلس، ونر و دورکهم به دلایل مختلف، دین را همچون نتیجه یا بازتاب دهی، علایق اقتصادی، نیازهای زیست شناختی یا تجربیات طبیعی فقر می‌دانستند.

مفهوم واکسترازی آن است که اعتقادات دینی بر اساس مبناهای علمی با پوزیتیویستی باطل و اعتقاد به اینکه برای بررسی معیارهای تفکر متقنی نا مفید است. مفهوم نهایی واکسترازی پوزیتیویستی آن است که دین در اصل نوعی فعالیت شناختی محدود انسان است، که با آن به دلایل گوناگون، ماهیت واقعی زندگی اجتماعی و تجربی را درست در نمی‌یابد.

(Bryan, 242; William, D. Ph. 641)

کتاب "مفهوم امر قدیسی" اوتو درست بخش سال پس از انتشار کتاب معروف "صور ابتدایی
الکات دنیای" (1) امیل دورکهیم فرآیند انتشار یافت. وی بدون اینکه با دورکهیم ملاقات
نموده با اثر تراقب اطلاعی داشته باشد، تفسیری متفاوت با او در مورد ذات دین ارائه داد.
دورکهیم ریشه دنیای را به عنوان نمادی در کلان (2) با هویت گروهی قابلیت می دانست، در
حالیکه اوتو برخلاف او، "امر قدیسی" (3) را قدرتی بزرگتر و قویتر از قلمرو بشر ترسیم
می نمود. وی آشکارا تنبیه اجتماعی شعاعی و استحکامی را در قدردانی نروژ احساس دینی در
خرد انگار و منحصر به فرد بودن چنین احساسی را همچون یک نیروی معنی ویژه انسان
تصدیق نمود.
اوتو در زمانی "مفهوم امر قدیسی" را نوشته که دین در وضعی تدفین عادت داشت. وی
پنجره از نگارش "مفهوم امر قدیسی"، نظریه شناسان‌ها، معتقد بود که سکولاریسم (4) ایمان
دینی را تخته کرده و اعتبار اخلاقی و هماهنگی دینی را در میان خرده‌مانند از بین برده است.
او در کتاب "طبیعت جرایی و دین" در اثبات استقلال و واگشت ناضری در مقابل
واگشت جرایی علمی و الهیات طبیعی (5) کوشید. به ادعای او، این دو مفهوم سعی در تبیین
عقلانی و نه به باتوانی و غیر آشکار زندگی دارند (نک: اوتو، "طبیعت جرایی و دین"، 7-5).
کتاب "مفهوم امر قدیسی" او در واقع بیان روشن خصوصیات رمانتیک تجدید (6) هنرهای با صنعی
شدان شبانان و تباه شدن ارزش‌های دینی است.
در میان دانشمندان دینی کمتری مثل اوتو در مقابل سکولاریسم و واگشت جرایی
استادگانی کرد. او تنها به شکایت از سکولاریسم بسنده نموده، بلکه معارفه روش شناسی و
خطرابی (7) موثوری را نیز به دست داد، که از آن طریق دین می‌تواند از دست برده آنچه ساخته
اندیشه و فرهنگی بشری است، در امر بیش. وی پیشینه هر نوع تنبیه طبیعت جرایی‌انه (8) را

1. Les forms elementaire de La vie religieuse 2. Clan
3. Holy 4. Secularism
5. الهیات طبیعی (Natural Theology)
6. Romantic Hostility 7. Rhetorical
8. Naturalistic Explanation
دین رجکرد و تقدّس و مصونیت تجربه دینی را، با یک ادعا که اگر تجربه دینی قابل تبیین باشد، تجربه دینی نیست، تضمین نمود (نکه: پرودفوت (۱)، ۱۱۸).
با توجه به اینکه از زمان شلیپرماخر، و حتی پیش از آن، الهات آلمان با سلسله دانستگی، از این طریق انسان متجدد را در تشخیص آمور مهم از غیر مهم توانا سازد.
سرودالکار داستان است، در این ضریح از کتاب «مفهوم امر قدسی» این است که به ذات دین پی برده، این دین را در اخلاء می دانستند (نکه: کلاپین برک، ۱۲۵) و برخلاف شلیپرماخر که ذات دین را احساس تولک همیش می دانست (نکه: شلیپرماخر، ۴۹).
اوتو ذات دین را «امر قدسی» می داند (اوتو، «مفهوم امر قدسی»، ۵). و با اذعان به اینکه از زمان اصلاحات کلیسای به بعد، هم متأهلان و هم فلاسفه خود را پیش از اندوزه با اعتقادات و باورهای جمی و استدلالات و به عبارت دیگر، با جنبه‌های عقلی و اخلاقی دین مشغول کرده‌اند که جوهر و اصل دین نیست، معنید است که معرفت و تعليم دینی نمی‌تواند در قلمرو فلسفه همچون شاخه مهمی از اخلاء قرار گیرد، بلکه در زمره نایب‌ای روح نهفته است. وی با تصمیم این امر که موضوع دین، امر قدسی، به دو عنصری که قبلًا به عنصر اخلاقی - عقلی و فراوعقی اطلاق گردیده تقسیم شده است، تقسیم (۳) را با کمال الهی و خیر اخلاقی یکسان نمی‌شمرد. با توجه به اینکه واژه «امر قدسی» معنی نخست خود را از دست داده و در طول تاریخ، بار معاملی اعتقادات و اخلاقی ویژه‌ای به خود گرفته است، اوتو ناچار شد برای انتزاع ذات رازآلوود (۴)، هیأت آور (۵) و پرچم (۶) امر قدسی به جهت تحلیل و بررسی، به دور از عناصر عقلی و اخلاقی، اصطلاح جدیدی به نام «نومنوس» (۷) پیدا کند تا نماینده تقدس بدون عنصر اخلاقی و عقلی باشد. این اصطلاح از کلمه لاتینی «نومن» (۸) به معنی الیهت.

1. Proudfoot
2. Ritschl (Albrecht Ritschl) مثال، قرن نوزدهم که معنید بود دین براساس تشخیص ارزش‌ها قرار دارد و باید از علوم کامل جدا باشد. ادی که دانست که دین با این سؤال شروع می‌شود، پیدا بکن تا نتایج یابیم (هوور درن، ۴۲).
3. Holiness
4. Mysterious
5. awesome
6. Fascinating
7. Numinous
8. Numen
گرتفه شده و مشعر به مفهومی کاملاً متفاوت با کمال اخلاقی است. عنصر
فراعنی (۱) نومینوس، به آن جنبه ذاتی خدا که متعلق است و از این روش عقلانی
است اطلاع می‌شود، از این امر اساسی دارد که از آن آغاز تکامل شکل‌گیری
مقولات متعارفی است که انسان از ارزش و تجربه دارد، عنصر نومینوس، ذات دنیای
یک نظر انسانی است. این عنصر یک شخص مادری عقلانی، خدا، یک نیست، بلکه مجموعه‌ای
از احساسات است که با احساس قدرت و ارزش متعارفی خدا در انسان بانگیخته می‌شود و
عنصری (کاملاً متفاوت) (۲) از دنبال عقلانی است. وضع دنیای عقلانی است. وضع دنیای
مخصوص به خود است و نمی‌توان آن را به دیگر عوامل تحلیل کرد و به همین دلیل مانند هر امر
کاملاً ابتدایی محسوس می‌شود. قدرت بحث کرده، نمی‌توان آن را دقیقاً تعريف نمود.
تقدس، مثل خدا، مفهومی مربوط به یک عنصر کاملاً دنیای (نومینوس) و یک ممکن
اضافه شده اخلاقی است که معنا و مفهوم غیرقابل تعریف را تکمیل می‌کند، و فراتر از آن به
ویژه در دین‌های غربی، این خطر وجود دارد که کاملاً آن را فرافکنی دارد، نومینوس، مفهوم وجود
عينی و سردردیدن خدا پیش از ظهور (۳) ذکر و مفهوم سازی (۴) انسان نهنگته است، حتی مقدم
بر اینکه خدا فی نفسه تقدس باشد (یعنی مجموعه‌ای از عنصر نومینوس، اخلاقی و عقلانی در
تاریخ اندیشه ما از خدا) نومین است (همان، ۱۹۹۷، ۱۹۷۹).
نومینوس نه تنها به خدا که به حالتی از روح نیز که حضور خدا آن حالات را برمی‌انگرید،
اشارد دارد، این حالات روح عبارت از کیفیت تجربه دنیای به عنوان حال شناخت قائم به
ذات (۵) و غیرقابل واگست است و به ارزش نومینوس واقعیت متعارفی مربوط است که
متعلق (۶) تجربه دنیای باشد (همان، ۷)، از این رو اگر به عنوان یک مثاله واقعی، فراتر از
روان شناسی دین می‌رود، اثر افراطی بر این اعتقاد است که نومینوس فرافکنی
(۷) محض
نیست، بلکه داده‌ای واقعی از تجربه وابسته به یک واقعیت متفاوت‌گری کاملاً متفاوت است که

1. Non-rational

(۱) البته خود اوتور در مقدمه‌ای که در سال ۱۹۲۳ بر ترجمه انگلیسی کتاب "مفهوم امر قدسی" نوشته
به عنوان فراعنیاتی که با شناخت وابسته به یک واقعیت تفکری کاملاً متفاوت است که
Supra-rational
2. Wholly Other
3. Revelation
4. Conceptualization
5. sui gener
6. Object
7. Projection
حضورش می‌تواند به تنهایی حالتی از نومینوس را در روح و جان پدیدآورد (همان، 11).

نومینوس قابل تعلیم نیست و فقط می‌تواند برانگیخته شود و باید در روح (جان)یا نو و پدیدار برخاسته از "روح" (1) بیدار شود (همان، 7). نومینوس در واقع یک نشانه با علامت است و مفهومی غیر از خودش دارد. مانند یک X نمادی ناشناخته و نشان دهنده چیز دیگری است که خود آن را باید تجربه درک کرده‌دارش داشته X نشانه جیسن است. اوتوریون ان متعلق را اینکنون و صف می‌کند: "این X ما دقیقاً این تجربه نیست، بلکه نزدیک آن و خلاف آن دیگری است. آیا شما خود می‌توانید شدید که این؟ به عبارت دیگر این X ما قابل تعلیم نیست، بلکه باید در جان بیدار شود درست همانطوری که هر پدیدار برآمده از روح باید در ما بیدار شود" (همانجا). پس نومینوس از نظر عقلی غیرقابل وصف و تبیین ناپذیر است. وی در این مورد، جمله ترستینگ (2) را نقل می‌کند که: "خدایی که درک شود خدا نیست" (همان، 25).

اوتو با استفاده از قاعده رمزی (3) "سر مهیب" (4) و "یکجده" (5) این کار را انجام می‌دهد.

از این رو، به نظر او، دین با بیدار شدن آگاهی نومینوس از طریق احساس خارجی ایجاد (6) در تجربه یک حضور "کاملاً متفاوت" (از این رو رازآلوود) شروع می‌شود؛ هم از این رو با قدرت هیبت آور خود (7) مهیب است. نشان علیمت و برگنگی (8) "مهیب" و "یکجده" (9) را در یک واکنش مشابه (10) متحد می‌گردد که در آن به آدمی هیبت دست داده و در این قدرت (یکجده) مستغرق می‌گردد و در عین حال احساس سر و خشیت می‌کند. از این طریق است که اوتو متعلق تجربه نومینوس را جنین و صف می‌کند که در آن سر مهیب است. سر وی انسان در مقابل او می‌آید و یک احساس نیرومند از "احساس مخلوق" (11) در او ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، نومینوس علاوه بر خشیت آور و هیبتانگیز بودن، عامل جذابیت را نیز واجد است. (12) به اعتقاد اوتو این تجربه نومینوس از امر قدیمی برای تمامیت تجربه دینی

1. Spirit
2. Tersteegen
3. Ideogrammatic formulation
4. Mysterium tremendum
5. Fascinans
6. Uncanny
7. awe-inspiring
8. Majestas (Majesty)
9. Fascinosum
10. Twofold
11. Creature-feeling

12. بیات آور: "انما المومون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم، وإذا تلبت عليهم آياته زادتهم ايمانًا و
اساسی است، از این رو یک مقاله مقدمه‌ای تجربی است. به گنتی، وی استعداد خاصی شناخت و درک واقعی امر قدسی را در جلوه‌های گوناگون آن دارند، استعدادی که او آن را "المه شدن" (۱) نامیده که استعداد المه شدن، که اتو به سه خود از مفهوم "شوق" (۲) فریز و مفهوم "احساس" شاپرک‌ها بر گرفته است، وسیع‌تر است که انسان به واسطه آن می‌تواند، ارزش، غریب و حضور نومینوس را احساس نماید؛ زیرا تجربه نومینوس فرآوری است ("دایره المعارف دین"، ۱۴۰/۷).

نومینوس ذات حقیقی همه تجربه دینی ایجادی است و در واقع را از ترس دموئی (۳)، که می‌توان اثری از آن را در آیندیان تا الهیاتی که به صورت مذهبی یا نظریه‌ای شده، مشاهده کرد، مشابه می‌سازد. همواره پیدا می‌گردد. مانند ترس از تابوها و امر ناپاک (۵)، سحر و غیره (۶) و همچنین دیگر نظریات مغالطه‌ای که در عرفان غربی به طور یکسان از طریق ارتباط‌های عصبی اصلی الکتریکی یعنی احساس نومینوس قابل توضیح اند (نک: ملیس، ۶۲).

به اعتقاد اتو تجربه نجست از تقدیس همجوش نومینوس به دو دلیل، فرآوری و از آن‌جا فراشته‌ی است: نجست آنکه در تاریخ دین گرایش نهایی، نومینوس از نظر زمانی مقدم بر عقلانی شدن گزارش داده، دور آنکه نومینوس احساسات فرآوری‌ها و در سر پرداخت "قوته" (۷)، "دیورت" (۸)، احساس عجب و خارج از عاده را در آنکه زمانی (اوتو)، "مفهوم امر قدسی"، ۱۶، ۲۰، ۳۱.

به نظر اتو دین مسیحیت، همچون بیانی از احساس امر قدسی، مثل دینگی ادین از احساس هیئت و راز در فرهنگ و تصویرسازی (۹) ظاهر می‌گردد. این یک جریان پوسته‌ای را یک‌سیم می‌کند که از لوتر تا "قدوس" (۱۰) عهد عقیده ادای دارد و در "عناصر هیئت دینی" در تاریخ ادامه پاوری از صفحه قبل

1. Divination
2. Ahndung
3. Daemonic
4. Pre-religious
5. Unclean
6. Cerebral austerities
7. Dizzy intoxication
8. Stupor
9. Ideation
10. Quad.
دین کلاً منتشر است (نک: همان، 100). از همين رو است که كتاب `مفهوم امر قدسي` هم به
دین تطبيقي مي پردازد و هم به تقدريابي انجلي. و در اين كتاب از تكامل تاريخي شناخت
نومينوس نيز به مي خريد (نک: همان، 5-124). اين امر که مي تواند حقیقت خود را در طول زمان آشکار با
اصلاح نمايد ضرورتاً قابل بحث نست. نازري به مسلم تفاسير کرد مقولات ماقل (تحري)
رسمي پيچده نست. تنها فرنآبدهاي ذهنی تمييز بهره، که به رشد يا زوال عقلاني مربوط
مي شوند، به تدرسي شناخت نومينوس را تشبيه مي كنند. يا همانطور که متعلقاً ممكن است، آن
را به تعبير غيرمفصل درهم مي آميزد.
نومينوس قائم به ذات (1) است يعني `کاملاً متفاوت` نسبت به هر ارزش دیگری مثل
زیبايي، خريبي، يا عقلانيت است. به نظر وي، تجربي نومينوس فقط مفهومي را تصديق
مي كند که در تمامي ديندارت (2) مشترک است: احساس نتيا ارزش و هويت شخصي در
مواجهه از امری که ارزش فراعناتی دارد، مفهومي مي تهتر بهکه کاملاً برايده از نظامی
منافوت با نظام خلاق است. اين احساس را `احساس مخلوق بودن` مي خواند. پس
گنه و خصم خدا به هنگام گنه، مفاهيم اخلاقی نستند. بلکه يک تجربيي خاصي ديشي از
پليدي (3) در حضور امر قدسي.؟
با آنکه منبع اصلی الهام بخش اوتور در مفهوم نومينوس ماقل اخلاق، اشعاري نبي بود اما
اشعياء يزي مفهوم نومينوس را با مفهوم اخلاقی-عقلاني در آميته است. زيرا اشعاري به
خواهانگان خواد اطيناتي يک هدا خدا تقدسي خود را عدل و صداي خوياي نيمايان
خواهد ساخت؛ و بهره صبايورت به اتصاف متعلق خواهد بود و خواي قدس به عدلت
تقدسي كرده خواهد شد (`اشعاء فصل 5، بند 2 بنک: اوتور، همان، 75).؟
ازسوئي دیگر شلیار ماهر نيز در `مفهوم امر قدسي` اوتور تأثير داشته است و اوتور با ی در
بسط مفهوم تقدسي رابطه سپار زيادی دارد (همان، 154، 108، 145-154، 208، 10، 9).
اوتور اظهار مي دارد هرچند نومينوس عنصر ذاتي امر قدسي است، اما الهات انجلي از

1. sui generis 2. Piety 3. Profanity
عناصر عقلانی، مخصوصاً اخلاقی، اشباع شده است. معهذا این عناصر عقلانی، سرنظر اینکه تقدیس را باشکنند که می‌تواند، علاماً معنایی را برای طبقه‌بندی ادیان بررسی مورد پذیرش واقع شود از طرف بشریت متمدن، آراءه می‌دهد. بدون عنصر عقلانی، دین به عفوان محیط بالدی شود و با افزایش در عقل غرای زوال می‌یابد و از بین می‌رود (همان، ۱۴۱). پس «مفهوم امر قدسی» بیان کاملی از نظریه دینی اوتون نیست. در واقع، مکتب رمانتیک لیبرال آن به جنوب فراعالانی تجربه دینی تأکید می‌وزد، به گونه‌ای که اگر به زمینه فکری او در دیگر آثارش توجه نشود، نظره دینی او می‌تواند نادرست تعبیرگردد (نک: مور، ۷۹). اوتون تأکید دارد که ذات فراعالانی دین نسبت به پیامدهای ترسیمی و اساسی تنش آن باشد. اما کلیت آن نیست. در واقع به نظر می‌رسد که بشر شارحان غافل از این عقیده‌ایکه عنصر عقلانی و فراعالانی دین نیاپد از اعتقاد خارج شوند، سر از افزایش در عقل غرایی خسک و یا تعصب دینی در آورده‌اند (نک: واج، ۲۲۱). از این رو اعتقاد عنصر عقلانی و فراعالانی در هر دين، كمال آن دين و مرتبه معنوی آن را مشخص می‌کند. به باور اوتو او حقیقتاً و بدون تعصب به وحدث عنصر عقلانی و فراعالانی در مسیحیت حکم کرده است تا نمونه کاملاً از زندگی معنوی را نشان دهد که آن اعتقاد موژون (ورفای عرفانی) (و انديشته سليم است (نک: اوتو، همان، ۱۴۲). اوتو با بررسی بیشتر نشان می‌دهد که در روح انسان یک استعداد کلی برای دریافت و

1. Moore
2. Wach
3. Mystical depth
4. Hidden substantive source
تشخیص دین حقيقی وجود دارد. به نظر وی اوگر به نظری درباره خدا و دین، از تجربه دینی ریشه نگردید و توسط آن حمایت نشد، یک امر کاملاً زاند خواهد بود. از این رو قسمت اعظم کتاب «مفهوم امر قدسی» به بیان تجربی و غیر تعلیمی (1) چگونگی آشکار شدن احساس فراعالانی نمی‌پذیرد در تجربه زیبایی شناسانه، عبادت، عهد عقیده، عهد جدید، لوثر و دین ابتدایی اختصاص دارد. این بدان معنی نیست که او نخست نظریه مادی تجربی را اظهار دارد و سپس در تأیید آن نمونه‌ها را بیان می‌کند. این امر یک قضیه شناخت شناسانه عمده است. او به مثال‌کاذب، اظهار می‌دارد که عقلی که با داده‌های حسی (2) کام می‌کند، نمی‌تواند از حقایق متفاوت‌کننده متعالی، شناخت عریان را ارائه دهد. حقایق تجربه امری متعالی نمی‌تواند به شیوه فلسفي استدلال شود، تجربه دینی دست اول فقط این واقعیت را تصدیق می‌کند. از این رو کسانی که از داشتن چنین احساسات دینی نخواهند و با نمی‌خواهند خود را در فراشت معرفت به واقعیت احساس نمی‌پذیرند در گیر کند، دل‌پاس خواندن این کتاب ناگی (همانه)، وی یک می‌کند وظیقه او نیست که پیدایشی دینی را بررسی کند، بلکه می‌کوشد آن را در خوانندگان خود اجاد کند و تا فردی نمی‌پذیرد را تجربه نکرده است نمی‌تواند آن را درک کند. نمی‌پذیرد شکلی از خود آگاهی است که با حضور قدرت ارزش فوق طبیعی برانکیخته می‌شود و می‌تواند از طریق برانگیختن احساسات خاص برخاسته از حضور نمی‌پذیرد این شناخت شود.

پیوست حیاتی و مفهوم امر قدسی، می‌تواند محصول سه نظریه به هم آمیخته فلسفی، پدیدار شناسانه و کلامی تلفی شود (نک: ولچ 121).

اوتو به پیروی از فریز، به تبع فلسفی اعتقاد داشت که انسان‌ها می‌توانند از واقعیت متفاوت فراعالانی با مطلق شناخت داشته باشند و داردند. این یک معرفت عقلانی یا ذهنی نیست، بلکه احساس یا ادراک غیرقابل بیان است. تأمل در این احساس می‌تواند فقط از طریق

1. Non doctrinal

2. sense-data

3. Numen proensen

4. Welch
تمیثلهای شهودی به مفهوم احساس مستقل گردید. بنابراین آنچه درباره امر قدمتی گفته می‌شد، رویز است نه واقعی.
نظریه پدیدارشناسی در اندازه‌گیری از مفهوم امر قدمتی، اظهار می‌دارد که همه ادیان ریشه در نظریه یا سیستم ندارند، بلکه ریشه در یک تجربه نمینوس کلی و اساساً یکنواخت دارند که از نظر تاریخی و فرهنگی به طور گروگان نمی‌شوند.

با اخیره نظریه‌گویی کلامی اوتومانی می‌دارد که هر اندازه یک دین خود را بیشتر و کاملاً بر تجربه نمینوس استوار می‌سازد. به همان اندازه در ماهیت ذاتی دین به وحی عمیق نرسیده می‌شود. در اینجا در جایی می‌تواند بوجود آید که در آنجا اتحادی غیرمستقیم در گویش فردی مستقیم نفس به ظهور اراده و حضور خدا در احساس نمینوس باشد. مکانفه مدون، عقلانی شده و به صورت تاریخ دیگر شریعت و کتاب مقدس که در آن نجات و اصلاح انسان مقصود می‌باشد، برخاسته از احساس نمینوس است.

منابع:
برایون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه میکائیلیان، تهران، ۱۳۷۵.
هوردن، ویلیام، راهنمای الهیات بروتستانتی، ترجمه میکائیلیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.